



بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد

خدارحم بزی^۱، سلیمان میرزاپور^۲ و محمدصادق افراسیابی راد^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۰۹

چکیده: حس تعلق به مکان، یکی از مباحث مهم در برنامه‌ریزی شهری است که در برنامه‌ریزی و توسعه شهرها، نقش زیادی می‌تواند ایفا کند. به گونه‌ای که حس تعلق بالای شهروندان به محله و شهر خود، از جهات گوناگون برای توسعه و پیشرفت شهرها بسیار سودمند است. تحقیق حاضر در پی بررسی مقایسه‌ای محلات مختلف شهر خرم‌آباد از لحاظ حس تعلق مکانی است. در این راستا احساس تعلق و وابستگی افراد به مکان، در هر محله مشخص شده و سپس بررسی مقایسه‌ای بین محلات مختلف شهر انجام گرفته است. به منظور بررسی دقیق‌تر، تعداد ۶ محله (شهدا، فاز یک کیو، گلستان، گلدشت، پشته و علی آباد) از سه منطقه شهری خرم‌آباد، به طور تصادفی انتخاب شد که تعداد ۲۸۰ عدد پرسشنامه در سطح محلات توزیع و به وسیله نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) نتایج حاصل از تحقیق به تفکیک محله به وسیله نقشه ارائه گردیده است. بدین شکل که: به طور کلی حس تعلق به مکان شهروندان خرم‌آباد نسبت به محلات خود پایین است، به گونه‌ای که کمتر از ۵۰٪ افراد مورد تحقیق حس تعلق بالایی به محله خود داشته‌اند. همچنین از نظر میزان حس تعلق، میان محلات مختلف مورد تحقیق تفاوت‌های چشم‌گیری وجود داشته است. بیشترین حس تعلق به مکان مربوط به محله شهدا با مقدار آن عدد ۱/۷۸ است. محله فاز یک کیو، با ۱/۵۷ در رتبه بعدی قرار دارد. فقط دو محله در این تحقیق تا حد متوسط (بالتر از ۱/۵) از احساس تعلق به مکان برخوردار هستند و سایر محلات مورد تحقیق از این جهت در وضعیت نامناسبی قرار دارند، که نمی‌تواند وضعیت مناسبی باشد. عوامل بسیاری بر میزان حس تعلق به مکان افراد تأثیرگذار است. عواملی چون سال‌های سکونت افراد در یک مکان، سن، جنس، تحصیلات و نیز ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی، تاریخی و فرهنگی یک مکان تا حد بسیار زیادی می‌تواند بر احساس افراد از آن مکان مؤثر باشد. اما آنچه در این پژوهش اثبات شد، اینکه: عواملی از قبیل قدمت مکان، وجهه مکان، دسترسی به خدمات در مکان، پوشش گیاهی، نمای خیابان‌ها، بافت مکان، وجود و یا نزدیکی اماکن تفریحی و گذران اوقات فراغت در مکان همه از عواملی هستند که بر حس تعلق به مکان شهروندان خرم‌آبادی تأثیر گذار بوده‌اند. خصوصاً عواملی چون وجهه محله، دسترسی به خدمات، پوشش گیاهی، نمای خیابان و نوع بافت محله، با میزان تعلق احساسی افراد به مکان رابطه زیادی داشته است.

واژگان کلیدی: حس تعلق، برنامه‌ریزی شهری، محلات، خرم‌آباد.

^۱ دانشجویار، گروه جغرافیا دانشگاه گلستان

^۲ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و مربی دانشگاه پیام نور الشتر

^۳ دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

آدرس پست الکترونیکی: msafraiyabi@yahoo.com

۱- مقدمه

حس تعلق به مکان نقطه مقابل حس بی‌مکانی است، حس بی‌مکانی به احساس عدم تعلق به مکان که ناشی از فقدان تنوع است اشاره دارد (شکویی و تبریزی، ۱۳۸۲، ۴۳). عواملی مانند حکومت‌های مرکزی، جهانی شدن، فرایند عام سرمایه‌داری جهانی، ارتباطات و وسایل ارتباطی، نوگرایی و سبک بین‌المللی معماری و به تبع آن معماری مدرنیسم، جغرافیای کاربردی را مترادف با برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر مکتب فضایی، گسترش تکنولوژی و اصالت عقلانیت فنی، تولید انبوه و مکان‌سازی کاپیتالیستی و کالایی کردن فضای شهری، همه از عوامل تولید حس لامکانی قلمداد شده‌اند (شکویی و تبریزی، ۱۳۸۲، ۵۸). اهمیت حس تعلق به مکان به قدری در شهرهای امروزی اهمیت دارد که نیاز جهت ایجاد پارادایم جدید به عنوان حس تعلق مکانی احساس می‌گردد (Becker, 2002, 424). حس تعلق و دل‌بستگی به مکان در سطح بالاتری از حس مکان قرار دارد که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌نماید (فلاح، ۱۳۸۵، ۶۰).

شهر خرم‌آباد در زمره نخستین سکونتگاه‌های مردم ایران به شمار می‌رود، غارهای مسکونی دره خرم‌آباد حاوی آثار انسان‌های غارنشین است و قدمت آثار به دست آمده از آن به ۴۰ تا ۵۰ هزار سال پیش می‌رسد (قاسمی، ۱۳۷۸، ۱). از سویی وجود تعداد زیادی آثار تاریخی مربوط به دوران قبل و بعد از اسلام در سطح شهر خرم‌آباد و نیز بافت تاریخی آن از دیگر مشخصات این شهر است.

در اکثر برنامه‌ریزی‌هایی که در شهرهای ایران و به ویژه شهر خرم‌آباد انجام شده، مسائل اجتماعی شهر کمتر در نظر گرفته شده است و خطر از بین رفتن هویت شهرهای امروزی جدی‌تر احساس می‌شود.

تحقیق حاضر در پی بررسی مقایسه‌ای حس تعلق مکانی در محلات شهر خرم‌آباد به دنبال یافتن نوع شهرسازی مردم‌پسند و مردم‌گرا در شهر خرم‌آباد است، نوع شهرسازی که مردم هر محله نسبت به محله خود دارای حس تعلق باشند.

فرضیات تحقیق به شرح زیر بوده است:

الف- میزان حس تعلق مکانی در بین محلات مختلف شهر خرم‌آباد تفاوت وجود دارد.

ب- میزان حس تعلق به مکان در بین ساکنین محلات خرم‌آباد در حد نسبتاً پایینی قرار دارد.

۱-۱- پیشینه تحقیق

«مکان و نامکان» ادوارد رلف از نخستین پژوهش‌هایی است که بر اساس نظریات پدیدارشناسی شکل گرفت و بر روی مطالب روان‌شناسانه و تجربه‌گرایی حس مکان تمرکز دارد. او در این مقاله، به بررسی ویژگی‌های حس مکان که برگرفته شده از روح مکان است و موجب معنا و هویت مکان می‌گردد، می‌پردازد. از نظر "رلف" حس مکان مفهوم مشخصی نیست که بتوان تعریف دقیقی برای آن ارائه داد، بلکه باید با آزمون روابط میان مکان و پایه‌های پدیدارشناختی جغرافیا سنجیده و ارزیابی شود. از دیدگاه او، اگر چه هیچ چیزی بدیهی‌تر از فضا نیست، اما زمانی که فضا مبدل به مکان می‌شود، شناخت آن به آسانی میسر نیست، زیرا با زیست‌بوم مردم عجین می‌شود. رلف در ارائه نظریه حس لامکانی خود ملهم از هایدگر بوده است.

رلف می‌گوید هرچند بی‌شکل و نامحسوس، هر زمان که ما فضا را درک و احساس کنیم، نوعاً مفهوم مکان نیز شکل می‌یابد. برای رلف مکان‌ها ذاتاً پایگاه‌های معنایی هستند که در طول زندگی بر اساس رویدادی شکل گرفته‌اند. با آغشتن آنها با معنا، افراد و گروه‌ها یا جوامع، فضا به مکان تغییر می‌کند (Relph, 1976, 68). در پژوهشی تحت عنوان «مکان‌های ساخته شده: نقش دل‌بستگی در ایجاد حس مکان برای خیابان‌های سنتی مالزی» تعلق و دل‌بستگی به خیابان‌های سنتی خرید در مرکز شهر کوالالامپور را بررسی کرده‌اند. در این تحقیق، بررسی‌ها، مصاحبه‌ها و پرسش‌های رو در رو با افرادی که به این خیابان‌ها آمده و خرید نموده‌اند، صورت گرفته تا حس تعلق و دل‌بستگی و نقش آن در هویت محل روشن شود. یافته‌ها حاکی از آن بوده که دل‌بستگی به خیابان‌های سنتی قوی و شدید بوده و بر ادراکات فردی از هویت محلات تأثیرگذار است. این



عمومی و وابستگی مکان در رابطه با هویت مکان (Pretty and etal.2003, 273)، حس تعلق، شاخص اجتماعی و عملکرد روان شناسانه (Hagerty, 2004)، بررسی حس مکان در اشخاص بی‌خانمان (Vandemark, 2007، 241)، حس مکان در شهرک-های روستایی استرالیا (Pretty and al.etc. 273)، در سال‌های اخیر انجام گرفته است. حس تعلق به مکان، حتی در سلامتی روحی و روانی انسان نیز تأثیرگذار است (Hagerty etal.1991,172) و در مواردی حس تعلق به مکان باعث پیش‌گیری از بیماری دلتنگی (دپرس شدن) شده است (Sergeant etal. 2002, 120).

جلال تبریزی در رساله دکترای خود، تأثیر نوسازی شهری فن‌گرا بر ایجاد حس لامکانی (نمونه موردی پروژه نواب تهران)، پس از مرور اجمالی تاریخ و تجربه نوسازی شهری، عناصر اصلی نوسازی شهری فن‌گرا را مشخص و تأکید بر آن دارد، که برخلاف فاصله‌گیری نوسازی شهری در جهان خارج از گرایش‌های اقتداری و فن‌گرا، در ایران کماکان این نوع برنامه‌ریزی ادامه دارد و برنامه‌ریزی شهری صورت گرفته در منطقه نواب مبین آن نوع رفتار فن‌گرایانه است و بر ضرورت به رسمیت شناختن سهم و اعانت جغرافیای انسان‌گرا در برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، که رابطه معنی‌داری بین برنامه‌ریزی فن‌گرا و ایجاد حس لامکانی وجود دارد (تبریزی، ۱۳۸۲، ۱).

۲-۱- چارچوب نظری

اگر بخواهیم فضای شهری را بدون تحمیل معیارهای زیبایی‌شناختی بررسی نماییم، ناگزیریم فضای بین ساختمان‌ها را در شهرها و سایر مکان‌ها، فضای شهری قلمداد کنیم (راب کریرت، ۱۳۸۳، ۱۵). در حالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی است (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۳۲ به نقل از گودال، ۱۹۸۷، میهو و پنی، ۱۹۹۲). بخشی از شخصیت هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران

خیابان‌ها از لحاظ پایدار نگه داشتن فعالیت‌های اقتصادی مهم بوده و در تأکید بر تنوع فرهنگی و هویت شخصی و گروهی اهمیت زیادی دارند (Shuhana and Norsidah, 2008, 399). در سنگاپور، حس مکان در رابطه با خانه‌سازی عمومی و تراکم‌های مختلف شهری مطالعه شده است در این مطالعه نگارندگان به بررسی مفهوم حس مکان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته و تأثیر عوامل کالبدی و عوامل شناختی استفاده‌کنندگان بر احساس افراد نسبت به فضا را بررسی نموده اند.

در ابتدا به معنای حس مکان و مفهوم آن از دیدگاه‌های مختلف پرداخته شده است و در نهایت سطوح مختلف و عوامل شکل دهنده آن را بیان می‌کند و در نهایت مدلی برای نشان دادن چگونگی تأثیرات این عوامل ارائه داده است بر اساس این مدل محیط کالبدی از طریق تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها و ایجاد معانی خاص بر احساس و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد و با توجه به اینکه روابط متقابل اجتماعی افراد یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انسانی و قرارگاه‌هاست، چگونگی فرایند ادراک نیز در ایجاد تصورات ذهنی و تعلق افراد نسبت به قرارگاه با اهمیت است.

از سوی دیگر چگونگی نیاز افراد، توقعات آنها از مکان و چگونگی ارتباط با مکان نیز از عوامل مؤثر در حس مکان افراد است و در بررسی و مطالعات، این عوامل باید مورد توجه قرار گیرند (Teo and huang, 1996, 307). در پژوهشی که در مالزی انجام گرفته مشخص شد که میزان حس تعلق به مکان در اماکن سنتی و تاریخی نسبت به اماکن دیگر بالاتر است به طوری که دل بستگی به خیابان‌های سنتی قوی و شدید بوده و بر ادراکات فردی از هویت محلات تأثیرگذار است. این خیابان‌ها از لحاظ پایدار نگه داشتن فعالیت‌های اقتصادی مهم بود و در تأکید بر تنوع فرهنگی و هویت شخصی و گروهی اهمیت زیادی دارند (Shamsuddin and ujang, 2008, 399). در تحقیقی دیگر نیز ثابت شده است که بهداشت و زندگی خوب در یک واحد همسایگی، باعث ایجاد حس مکان در بین زنان سالخورده شده است (Young etal.2004, 168). همچنین تحقیقات دیگری همچون، دل بستگی، حس

می‌شناساند و نیز هنگامی که راجع به خود فکر می‌کند، خود را متصل به آن مکان می‌داند و آن مکان را بخشی از خود بر می‌شمارد. به علاوه میان فرد و آن مکان رابطه‌ای عمیق وجود دارد، عمیق‌تر از صرف بودن و تجربه کردن آن مکان (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۶، ۳۲۵ به نقل از رضا زاده، ۱۳۸۰، ۵).

"مکان و نامکان" اردوآرد رلف از اولین پژوهش‌هایی است که بر اساس نظریه‌های پدیدارشناسی شکل گرفت و بر روی مطالب روان‌شناسانه و تجربه‌گرایی حس مکان تمرکز دارد. او در این مقاله خود به بررسی ویژگی‌های حس مکان که برگرفته شده از روح مکان است و موجب معنا و هویت مکان می‌گردد، می‌پردازد (حبیبی، ۱۳۸۷، ۴۳). حس مکان غالباً در مورد اصطلاح لاتینی روح مکان بحث می‌کند، این اصطلاح بیان می‌دارد که مردم چیزی فراتر از خصوصیات فیزیکی اماکن را تجربه می‌کنند و می‌توانند پیوستگی خود با روح مکان را احساس کنند (حبیبی، ۱۳۸۷، ۴۳). به نقل از (Cuthbert, 2006, 95). از نظر "رلف" حس مکان مفهوم مشخصی نیست که بتوان تعریف دقیقی برای آن ارائه داد، بلکه باید با آزمون روابط میان مکان و پایه‌های پدیدار شناختی جغرافیا سنجیده و ارزیابی شود (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۸، به نقل از Relf, 1976).

از دیدگاه پدیدار شناسان، اگر چه هیچ چیزی بدیهی‌تر از فضا نیست، اما زمانی که فضا مبدل به مکان می‌شود، شناخت آن به آسانی میسر نیست، زیرا با زیست بوم مردم عجین می‌شود. رلف در ارائه نظریه حس لامکانی خود ملهم از هایدگر بوده و کمک مکتب پدیدار شناسی به نظریه تنی چند از جغرافی دانان پدیدارشناس مانند یی‌فو توان و آن بوتیمر میسر شده است (شکویی، تبریزی، ۱۳۸۲، ۱۵۳).

حس لامکانی را نیز می‌توان با حس متضاد آن شناخت و آن به معنای متنوع بودن اماکن و همچنین حس تعلق به مکان سکونت و داشتن احساس دل بستگی به آن محل سکونت است. در ادبیات روان شناسی اجتماعی، پذیرفته شده است که حس تعلق به مکان، رابطه مستقیمی با طول مدت اقامت در آن مکان دارد و زندگی دائم در یک مکان به مدت حداقل پنج سال در

یک مکان خاص سکونت اختیار کند تعلق خاطر نسبت به آن مکان دارد (همان منبع، ۱۵۰). در پژوهشی که در مالزی انجام گرفته مشخص شده است که میزان حس تعلق به مکان در اماکن سنتی و تاریخی نسبت به اماکن دیگر بالاتر است به گونه‌ای که دل بستگی به خیابان‌های سنتی قوی و شدید بوده و بر ادراکات فردی از هویت محل‌ها تأثیرگذار است. این خیابان‌ها از لحاظ پایدار نگه داشتن فعالیت‌های اقتصادی مهم بوده و در تأکید بر تنوع فرهنگی و هویت شخصی و گروهی اهمیت زیادی دارند (Shamsuddin and Ujang, 2008, 399). روش‌های متنوعی برای ارزیابی کیفیت منحصر به فرد یک مکان و مردم آن در دسترس است، این موارد شامل مشاهده و بررسی محل، مطالعه و مرور اسناد تاریخی، مصاحبه با گروه‌های مسئولین محلی و مشاوره با عموم مردم می‌شود (مهندسین مشاور شارمند و سولماز، ۱۳۸۷، ۴۲).

شاخص‌های حس تعلق به مکان

برای بررسی حس تعلق به مکان نیازمند به شناخت شاخص‌های آن است. حس تعلق به مکان (دل بستگی مکانی) دارای سه شاخصه اصلی یعنی، تعلق احساسی، تعلق کارکردی و تعلق مفهومی به مکان است، که توضیح هر کدام در زیر می‌آید (Shamsuddin and Ujang, 2008, 390-99).

الف- تعلق احساسی

تعلق احساسی به مکان یکی از شاخص‌های قابل اندازه‌گیری حس تعلق به مکان است که مؤلفه‌هایی از قبیل احساس راحتی در مکان، مهم بودن مکان از نظر افراد، متمایز دانستن مکان و افتخار به آن دارد.

ب- تعلق کارکردی

یکی دیگر از شاخص‌های مهم حس مکان، تعلق کارکردی است که برای به دست آوردن میزان آن در مکان باید به مؤلفه‌هایی از قبیل لذت بردن از مکان، احساس امنیت، توانایی توصیف مکان، تعلق به مکان، درک معانی مکان، عقیده در مورد مناسب بودن مکان به منظور تأمین نیازها اشاره کرد.

ج- تعلق مفهومی



۳- یافته های پژوهش

۳-۱- بررسی و ارزیابی شاخص های حس تعلق به

مکان در محلات مورد بررسی

الف- تعلق احساسی

همان گونه که از جدول ۱ قابل مشاهده است، مؤلفه های تعلق احساسی در شهر خرم آباد در چند مورد کمتر از نصف (کمتر از ۱/۵) هستند. در مجموع عدد تعلق احساسی به مکان در این شهر ۱/۵۲ است. به این معنا که بیش از نیمی از مردم شهر خرم آباد به محله خود تعلق احساسی داشته اند. در این میان عدد* ۱/۷۵ مربوط به "بی رغبت به نقل مکان به محله ای دیگر" جای تأمل دارد و دلیل آن را باید عادت به مکان و شاید حس تعلق به اجتماع محله دانست.

جدول ۱- مؤلفه های دلبستگی احساسی در شهر خرم آباد

مؤلفه های حس تعلق به مکان (دلبستگی احساسی)	۰= خیلی مخالف ۳= خیلی موافق
من در اینجا بیشتر از هر جای دیگری احساس راحتی میکنم	۱/۴
من از پیشرفت های این محل راضی و خوشنود می شوم	۲/۱۵
این مکان برای من خیلی مهم است	۱/۶
احساس افتخار به علت معروف بودن و متمایز بودن مکان	۱/۳
بی رغبت به نقل مکان به جایی دیگر به علت عادت به محله ام	۱/۷۵
مشتاق به محیط و فضای محله	۱/۲۸
عاشق خیابانهای اطراف هستم	۱/۱۵

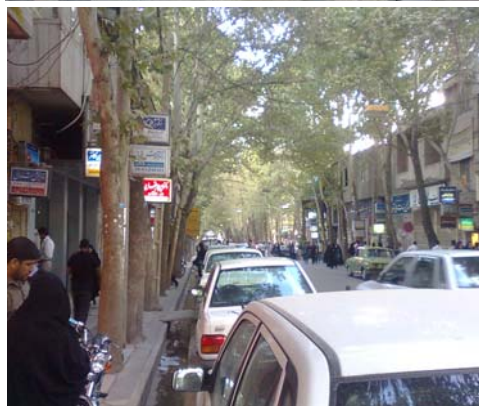
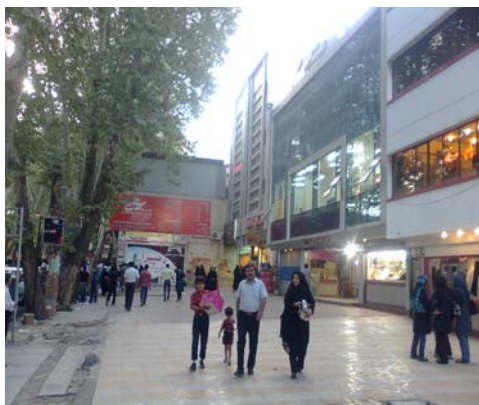
ب- تعلق کارکردی

نتایج بررسی تعلق کارکردی در شهر خرم آباد در جدول ۲ قابل مشاهده است. آنچه در جدول ۲ بیشتر از همه قابل ذکر است عدد مربوط به درک معانی و مفاهیم مکان (۰/۹۱) است. بدین معنا که کمتر از ۳۰ درصد افراد پاسخگو مکان را با معنا توصیف کرده اند و این شاید به نحوه برنامه ریزی های فیزیکی مسئولین شهری برمی گردد. در مورد لذت بردن افراد از قرارگیری در محله خود نیز، این مقدار کمتر از نصف است. البته در مواردی از قبیل احساس امنیت در مکان، توانایی توصیف مکان به صورت خیلی عالی و نیز عقیده مثبت در مورد مناسب بودن مکان برای زندگی و تامین نیازها، وضعیت بهتر است و بیش از نیمی از افراد با این

معنای مکان یکی دیگر از شاخصه های حس تعلق به مکان است که متشکل از زیربخش هایی همچون مناسب و سازگار بودن مکان با سبک زندگی افراد، مناسب با زمینه فرهنگی افراد، مردم دوستی و علاقه افراد مکان به هم، اجتماع و دیدار افراد محله و داشتن خاطرات کهن است.

۲- روش تحقیق

در تحقیق حاضر ۶ محله از مناطق سه گانه شهر خرم آباد (هر منطقه دو محله)، انتخاب شده و بر اساس جمعیت کل جامعه آماری و نیز با استفاده از فرمول کوکران (Cochran)، تعداد ۲۸۰ عدد پرسشنامه در بین افراد محلات مورد تحقیق توزیع و تکمیل گشته است. محلاتی که دارای جمعیت بیشتری هستند، تعداد پرسشنامه بیشتری در بین آنها توزیع شده است. در محله شهدا ۵۰ سری پرسشنامه، فاز یک کیو ۴۴ پرسشنامه، کوی گلستان ۴۸ پرسشنامه، گلدشت ۴۹ پرسشنامه، پشته حسین آباد ۴۷ پرسشنامه و علی آباد ۴۲ پرسشنامه توزیع شده است. لازم به ذکر است که کل جامعه آماری این تحقیق (۶ محله)، ۱۰۸۱۱ خانوار بوده است. همانطور که قبلا ذکر شد، در این تحقیق به منظور بررسی دقیق حس مکان از شاخص های دلبستگی به مکان استفاده شده است، چرا که دلبستگی به مکان از ابعاد قابل سنجش حس مکان است. به منظور بررسی حس مکان در بین محلات مورد تحقیق از پرسشنامه ای استاندارد استفاده شده (البته با جرح و تعدیل) که قبلا در مالزی استفاده شده است. توزیع و نوع بافت، شکل، قدمت محله، امکانات، زیرساخت های فیزیکی و به طور کلی اطلاعات فضایی و مکانی هر محله، از طریق پرسشنامه ها استخراج گردید تعدادی پرسشنامه دیگر نیز توسط نگارنده و پس از مشاهدات میدانی، اطلاعات ادارات مربوطه و نیز مصاحبه با کارمندان ادارات مربوطه، تکمیل گشته است (Shamsuddin and ujang, 2008, 399). علاوه بر داده های مربوط به پرسشنامه ها، بازدید میدانی از محلات مورد تحقیق نیز به عمل آمده است.



شکل شماره ۱ و ۲- نمایی از خیابان‌های محله شهدا

گزینه‌ها موافق بوده‌اند. در مجموع امتیاز دل‌بستگی کارکردی در محلات شهر خرم‌آباد ۱/۳۵ (کمتر از نصف) است.

جدول ۲- مؤلفه‌های تعلق کارکردی در شهر خرم‌آباد

مؤلفه‌های حس تعلق به مکان (دل‌بستگی کارکردی)	۰= خیلی مخالف ۳= خیلی موافق
من بسیار به این محل دل‌بسته‌ام	۱/۳۲
این محل برای من سرشار از معانی است	۰/۹۱
من از بودن در اینجا بیش از هر جا لذت می‌برم	۱/۲۷
من در اینجا احساس امنیت می‌کنم	۱/۵۶
عقیده مثبت در مورد مناسب بودن مکان برای زندگی و تأمین نیازها	۱/۵۸
توانایی توصیف مکان به صورت خیلی عالی، تصویر پذیری خوب	۱/۶
احساس ناراحتی در صورت انتقال به جای دیگر	۱/۲۶

ج- تعلق مفهومی

بر اساس جدول ۳، فقط در دو مورد، مناسب و سازگار با سبک زندگی بودن مکان و مناسب بودن مکان با زمینه فرهنگی افراد است که بیش از نیمی از افراد با آن موافق بوده‌اند و در باقی موارد یعنی علاقه مردم، مردم دوستی و اجتماع و دیدار افراد محله، کمتر از نصف است که در مجموع ۱/۴۵ یعنی کمتر از نصف (۱/۵) با مؤلفه‌های مفهوم مکان موافق بوده‌اند.

جدول ۳- مؤلفه‌های معنای مکان در شهر خرم‌آباد

مؤلفه‌های حس تعلق مکان (مفهوم)	۰= خیلی مخالف ۳= خیلی موافق
مناسب و سازگار با سبک زندگی من	۱/۶۳
مناسب با زمینه فرهنگی من	۱/۶۴
خاطرات بچگی و کهن	۱/۱۵
علاقه افراد به هم	۱/۴۵
مردم دوستی	۱/۴۴
اجتماع و دیدار افراد محله	۱/۴۲

۲-۳- ویژگی محلات مورد تحقیق

محله شهدا

محله شهدا از محلات نسبتاً قدیمی و در بافت مرکزی شهر خرم‌آباد قرار دارد. خیابان‌های این محله، در زمره خیابان‌های شلوغ، پر رفت و آمد و پویای شهر خرم‌آباد به شمار می‌روند و حتی این خیابان‌ها محلی برای گذران اوقات فراغت مردم این شهر هستند.

به طور کلی آنچه از مشاهده تصاویر فوق استنباط می‌شود، این است که، خیابان‌های مذکور از خیابان‌های نسبتاً قدیمی شهر خرم‌آباد به شمار می‌رود و تا به امروز توانسته است به فعالیت خود ادامه دهد و حتی بسیار پررونق‌تر از خیابان‌های جدیدتر این شهر هستند.

محله فاز یک کیو (kio)

فاز یک کیو در قسمت شمالی شهر خرم‌آباد قرار دارد. در این محله قشر تقریباً مرفه سکونت دارند و به لحاظ برخورداری نسبتاً بالا از ملزومات شهرسازی، امکانات و زیرساخت‌های شهری از موقعیت بهتری نسبت به دیگر محلات تازه ساخت شهر خرم‌آباد برخوردار است. این محله در واقع بین دو هسته تفریحی و اداری شهر خرم‌آباد واقع شده است و از لحاظ دسترسی به خدمات شهری وضعیت تقریباً مناسبی دارد. از طرفی وجود چند خیابان با پهنای درختکاری شده، یکی دیگر از خصوصیات کالبدی این محله است.

مناسبتی ندارد و از لحاظ سایر زیرساخت‌های شهری و خدماتی نیز تقریباً محله‌ای محروم است.



شکل شماره ۵- و ۶- نماهایی از محله کوی گلستان



شکل شماره ۳ و ۴- نمایی از خیابان‌های محله فاز یک کیو

محله کوی گلستان

محله کوی گلستان واقع در شمال شهر خرم‌آباد است که از محلات تقریباً جدید این شهر به شمار می‌رود و قدمت آن به بیش از سه دهه نمی‌رسد. این محله به لحاظ ملزومات شهرسازی، امکانات و زیرساخت‌های شهری از موقعیت مناسبی برخوردار نیست. از خصوصیات دیگر این محله می‌توان به بافت جدید، شبکه خیابان‌بندی منظم آن اشاره کرد.

محله گلدشت غربی

محله گلدشت غربی در جنوب شهر خرم‌آباد قرار دارد. این محله تازه ساخت و به عبارتی در حال ساخت است. اکثر ساکنین این محله از نقاط دیگر شهر به این محله آمده‌اند و مدت زیادی از سکونت آنان در این محله نمی‌گذرد. بافت این محله به تبعیت از اکثر بافت‌های جدید شهری، منظم و شطرنجی است. این محله از لحاظ برخورداری از اماکن عمومی، تفریحی و...، شرایط



محله علی آباد

محله علی آباد واقع در جنوب خرم آباد است که در پایکوه بنا گردیده و قسمت‌هایی از این محله در شیب بسیار زیاد ایجاد شده است. این محله از نقاط حاشیه‌نشین شهر خرم آباد نیز به شمار می‌رود. قدمت این محله نسبت به محله‌های جدیدتر خرم آباد بیشتر است و اکثر ساکنان آن مدت زیادی است که در این محله سکونت دارند.



شکل شماره ۱۱ و ۱۲- نماهایی از محله علی آباد

همان‌طور که از تصویر هوایی بالا قابل مشاهده است، کوی علی آباد در پایکوه بنا شده و دارای بافتی ناموزون و ارگانیک است. کوی علی آباد از محلات حاشیه‌نشین شهر خرم آباد است که دارای بافتی فرسوده است. البته قسمت‌های نزدیک به خیابان‌های اصلی این محله، از شیب کمتری برخوردار بوده و از مؤلفه‌های مسکن حاشیه‌نشین فاصله دارند.

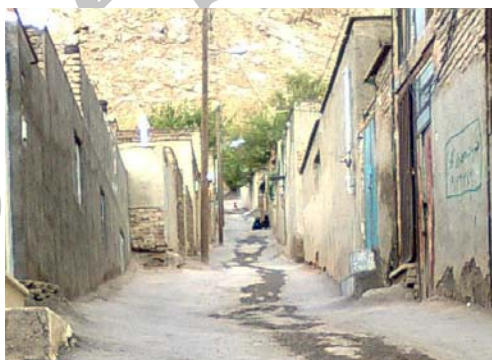
مقایسه تطبیقی محلات شهر خرم آباد از لحاظ حس تعلق به مکان

عدد مربوط به حس تعلق به مکان در این تحقیق، حاصل جمع سه شاخصه حس تعلق به مکان یعنی تعلق

با توجه به تصاویر مربوط به این محله، می‌توان گفت که محله گلدشت غربی از محلات تازه ساز و در حال ساخت است که عموم ساکنین آن در چند سال اخیر ساکن این محله شده‌اند.

محله پشته حسین آباد

محله پشته حسین آباد در جنوب شرقی شهر خرم آباد واقع شده است. این محله از بافت منظم و تا حدودی ارگانیک برخوردار است. از لحاظ برخورداری از خدمات و زیرساخت‌های شهری نیز در شرایط مناسبی به سر نمی‌برد و مکان تفریحی و اوقات فراغت قابل توجهی در این محله وجود ندارد. محله پشته حسین آباد نسبت به محله گلدشت از قدمت بیشتری برخوردار است و ساکنین آن سابقه بیشتری در سکونت در این محله داشته و قدیمی تر هستند.



شکل شماره ۹ و ۱۰- نماهایی از محله پشته حسین آباد

تصاویر بالا از کوچه‌های این محله گرفته شده است که فرسودگی بافت و نیز ارگانیک بودن ساخت این کوچه‌ها پیداست. بررسی کلی تصاویر مربوط به این محله بیانگر وجود دو بافت منظم و نامنظم در این محله می‌باشد.



داشته‌اند. همچنین از نظر میزان حس تعلق، میان محلات مختلف مورد تحقیق تفاوت‌های چشم‌گیری وجود داشته است. بیشترین حس تعلق به مکان مربوط به محله شهدا بوده که مقدار آن عدد ۱/۷۸ است. محله فاز یک کیو، با ۱/۵۷ در رتبه بعدی قرار دارد. فقط دو محله در این تحقیق تا حد متوسط (بالتر از ۱/۵) از احساس تعلق به مکان برخوردار هستند و سایر محلات مورد تحقیق از این جهت در وضعیت نامناسبی قرار دارند که نمی‌تواند وضعیت مناسبی باشد. عوامل بسیاری بر میزان حس تعلق به مکان افراد تأثیرگذار است. عواملی چون سال‌های سکونت افراد در یک مکان، سن، جنس، تحصیلات و نیز خصوصیات فیزیکی و کالبدی، تاریخی و فرهنگی یک مکان تا حد بسیار زیادی می‌تواند بر احساس افراد از آن مکان مؤثر باشد. اما آنچه در این پژوهش اثبات شد، اینکه: عواملی از قبیل قدمت مکان، وجهه مکان، دسترسی به خدمات در مکان، پوشش گیاهی، نمای خیابان‌ها، بافت مکان، وجود و یا نزدیکی اماکن تفریحی و گذران اوقات فراغت در مکان همه از عواملی هستند که بر حس تعلق به مکان شهروندان خرم‌آبادی تأثیر گذار بوده اند. خصوصاً عواملی چون وجهه محله، دسترسی به خدمات، پوشش گیاهی، نمای خیابان و نوع بافت محله، با میزان تعلق احساسی افراد به مکان رابطه زیادی داشته است. به عنوان مثال هرچه وجهه محله بالاتر باشد، میزان تعلق احساسی به مکان بیشتر و هرچه وضعیت دسترسی به خدمات، پوشش گیاهی، نمای خیابان و بافت محله بهتر است و بر میزان تعلق احساسی شهروندان افزوده شده است. در تحقیق حاضر اثبات شد که محلات جدید (فاز یک کیو) نیز می‌توانند حس تعلق به مکان افراد را ارتقاء بخشند. با فراهم سازی امکانات زیرساختی مناسب و هماهنگ با فرهنگ منطقه نیز می‌توان شهرسازی را به سمت ایجاد حس مکان هدایت کرد.

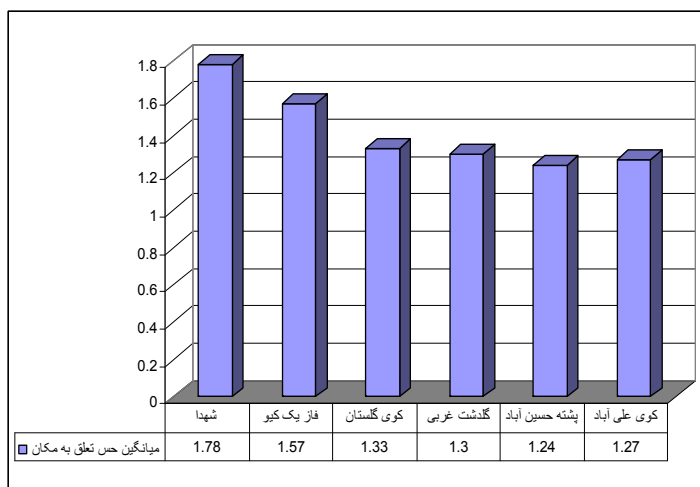
احساسی، کارکردی و مفهومی بود و عدد مربوط به این شاخصه‌ها نیز حاصل جمع مؤلفه‌های هر شاخصه است. بر اساس نمودار زیر (مقایسه حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد) بیشترین حس تعلق به مکان مربوط به محله شهدا بود که مقدار آن عدد ۱/۷۸ بوده است. محله فاز یک کیو در با مقدار ۱/۵۷ در رتبه بعدی قرار دارد. سایر محلات نظیر کوی گلستان، گلدشت غربی، کوی علی‌آباد و پشته حسین‌آباد به ترتیب مقدار ۱/۳۳ و ۱/۳ و ۱/۲۷ و ۱/۲۴ را به خود اختصاص دادند. آنچه از نمودار (مقایسه حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد) استنباط می‌شود، اینکه: فقط دو محله شهدا و فاز یک کیو در این تحقیق تا حد متوسط (بالتر از ۱/۵) از احساس تعلق به مکان برخوردار هستند و سایر محلات مورد تحقیق از این جهت در وضعیت نامناسبی قرار دارند.

۳-۳- مقایسه شاخصه‌های حس تعلق مکان

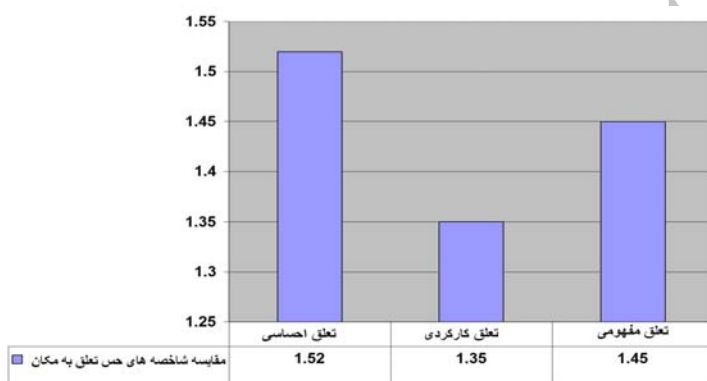
هیچ مکانی به یک اندازه از شاخصه‌های حس تعلق مکان برخوردار نیست و بنا به علل گوناگون کالبدی و انسانی، تفاوت‌هایی میان این شاخصه‌ها وجود دارد. با توجه به شکل ۱، تفاوت‌هایی بین میزان شاخصه‌های حس تعلق به مکان وجود دارد. بیشترین مقدار مربوط به، تعلق و دل‌بستگی احساسی، یعنی ۱/۵۲ است. تعلق یا دل‌بستگی مفهومی با ۱/۴۵ در رتبه بعدی قرار دارد و کمترین مقدار مربوط به شاخصه تعلق کارکردی است که مقدار آن ۱/۳۵ است. تفاوت‌هایی نیز بین میزان شاخصه‌های حس تعلق به مکان وجود دارد.

دلیل اصلی مقدار نسبتاً کمتر تعلق کارکردی در شهر خرم‌آباد، شاید به بحث دور بودن شماری از محلات (خصوصاً تازه ساخت) شهر خرم‌آباد از استانداردهای شهرسازی انسان مدار و هویت‌زا باشد، به‌گونه‌ای که در این‌گونه محلات تازه ساخت، کمتر به محل اجتماع مردم، نماد، نشانه، تصویر پذیری و ... پرداخته شده است.

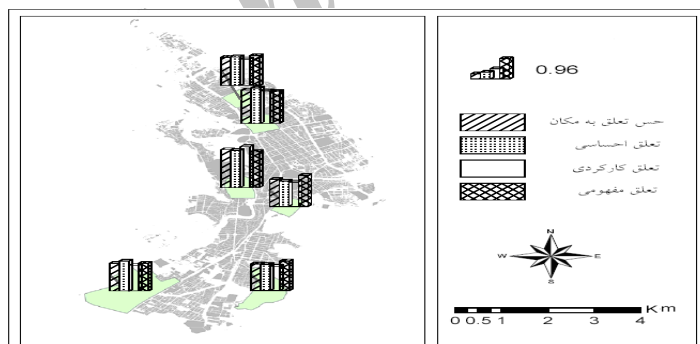
به طور کلی حس تعلق به مکان شهروندان خرم‌آباد نسبت به محلات خود پایین است. به طوری که کمتر از ۵۰٪ افراد مورد تحقیق حس تعلق بالایی به محله خود



شکل ۱۳- نمودار مقایسه حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم آباد



شکل ۱۴- نمودار مقایسه شاخصه های حس تعلق به مکان در شهر خرم آباد



شکل ۱۵- نقشه مقایسه تعلق خاطر مکانی در محلات شهر خرم آباد

۴- نتیجه گیری

در تحقیق حاضر تأثیر حس تعلق به مکان بر محلات شهر خرم‌آباد به اثبات رسید. به طوری که رابطه معنی-داری بین شاخص‌های مختلف حس تعلق به مکان و نگهداری از تجهیزات شهری توسط مردم، نظافت محلات، پرداخت مالیات و نیز مشارکت افراد در امور محله وجود دارد. از نظر میزان حس تعلق به مکان، میان محلات مختلف مورد تحقیق تفاوت‌های چشم-گیری وجود داشته است. بدین صورت که محلات قدیمی‌تری چون محله شهدا، به علت تمایز از دیگر محلات شهری و عدم شباهت بلوک‌ها، وجود نماد و نشانه فراوان، پوشش گیاهی مناسب، هوای مناسب (به واسطه خرده اقلیمی که پوشش گیاهی خیابان‌های این محله به وجود آورده است) از حس تعلق به مکان بیشتری برخوردار بوده است. در محلات تازه ساخت فاز یک کیو نیز به علت رعایت اصول برنامه‌ریزی شهری و وجود عناصری از قبیل فضای گفتگو و پاتوق، پوشش گیاهی نسبتاً مناسب، دسترسی خوب، وجود فضای تفریحی و... وضعیت مناسب‌تری نسبت به سایر محلات جدید شهر خرم‌آباد دارد. محلات جدیدی مانند کوی گلستان و گلدشت غربی به دلیل نوساز بودن، عدم وجود زیرساخت‌ها و خدمات شهری مناسب در آنها و نیز عدم وجود مکان دیدار و گفتگوی افراد محله و عدم نزدیکی به فضای سبز رتبه کمتری را نسبت به دو محله قبلی، از لحاظ حس تعلق به مکان، به خود اختصاص داده‌اند. همچنین محله پشته حسین‌آباد با وجود قدمت بیشتر نسبت به محله‌ای چون گلدشت غربی، به دلیل وجود بافت فرسوده در قسمتی از آن و سایر کمبودهایی که در مورد محله گلدشت ذکر شد، از رتبه پایین‌تری برخوردار گشته است. کوی علی‌آباد نیز علاوه بر وجود بافت فرسوده و دور بودن از استانداردهای برنامه‌ریزی شهری، از محلات حاشیه‌نشین شهر خرم‌آباد محسوب می‌شود که وضعیت حس تعلق به مکان در آن از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. تأثیرات فضایی-مکانی متفاوت در حس تعلق مکانی در محلات مختلف شهر خرم‌آباد، نیز تا حدودی منجر به تمایز محلات

مختلف شهر از هم گردیده است. به طوری که حس تعلق به مکان نسبتاً بالاتر، در دو محله شهدا و فاز یک کیو توانسته است این دو محله را از لحاظ مراقبت از تجهیزات شهری، پرداخت مالیات، مشارکت شهری و... از دیگر محلات، متمایز کند و محله‌ای چون کوی علی‌آباد و... به علت حس مکان ضعیف‌تر و به دنبال آن مشارکت شهری کمتر، پرداخت مالیات کمتر، نگهداری کمتر از تجهیزات شهری و نظافت کمتر محله، متمایز از دیگر محلات شهری است. در ارتباط با منطقه‌بندی شهر خرم‌آباد نیز باید گفت که بر اساس داده‌های حاصل از این پژوهش حداقل از لحاظ حس مکان، منطقه‌بندی حاضر همسو با استانداردهای برنامه‌ریزی شهری نیست.

چرا که محله شهدا با بیشترین میزان حس تعلق به مکان نسبت به دیگر محلات مورد تحقیق، در همان منطقه‌ای قرار دارد که کوی علی‌آباد با کمترین میزان حس تعلق به مکان در آن واقع است. در مورد منطقه ۱ باید گفت که محله فاز یک و کوی گلستان نیز با توجه به تفاوت در میزان حس تعلق به مکان هر دو در این منطقه قرار گرفته‌اند.

منطقه ۳ شهر خرم‌آباد نیز از این مقوله جدا نیست و با وجود اختلاف کمتر بین دو محله گلدشت غربی و پشته حسین‌آباد از نظر حس تعلق به مکان، نوع بافت و سایر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی شهری در این دو محله از تفاوت‌های چشم‌گیری برخوردار است.

در همین مورد ذکر یک مثال کافی به نظر می‌رسد، که محله پشته حسین‌آباد از محلات قدیمی‌تر شهر خرم‌آباد است. قسمتی از این محله جزء بافت فرسوده شهر خرم‌آباد محسوب می‌شود و قسمتی از بافت این محله اصولاً ارگانیک و بدون برنامه‌ریزی قبلی به وجود آمده است و این در صورتی است که محله گلدشت غربی محله جدیدی محسوب می‌شود و نوع بافت و شبکه‌بندی خیابان‌های آن به طور علمی‌تری برنامه‌ریزی شده است. هیچ‌گاه کالبد محلات به تنهایی نمی‌تواند بر روی حس مکان تأثیر بگذارد و نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در میزان حس مکان انکار ناپذیر است. به دلیل وسعت و گستردگی بحث، در تحقیق

حاضر تأکید بر موارد کالبدی شده است. جمع‌بندی و خلاصه نتایج تحقیق حاضر نیز به شرح زیر است:

- میزان حس تعلق به مکان در دو محله شهیدا و فاز یک کیو بالاتر از حد متوسط (۱/۵) بوده و در سایر محلات شهر خرم‌آباد کمتر از این مقدار بوده است. لازم به ذکر است که دو عامل انسانی و کالبدی در میزان حس تعلق به مکان محلات مختلف تعیین‌کننده هستند.

- بسته به میزان حس تعلق به مکان در محلات مختلف شهر خرم‌آباد، تاثیرات فضایی- مکانی متفاوتی در هر کدام از محلات مورد تحقیق وجود دارد.

- حس تعلق به مکان در محلات مختلف به نوعی خود نیز باعث تمایز محلات مختلف شهر خرم‌آباد از همدیگر شده است.

در راستای ایجاد حس مکان در سطح محلات شهر خرم‌آباد، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- شهر خرم‌آباد از شهرهای قدیمی ایران است که قابلیت‌های زیادی در زمینه ایجاد احساس مکان در شهروندان را دارد. به گونه‌ای که خصوصاً در محلات قدیمی‌تر این شهر آثار، نمادها و نشانه‌های چند صد ساله وجود دارد. این گونه آثار باید مورد بازسازی و مرمت قرار گیرند. بسیاری از آثار قدیمی این شهر از جمله پل شاپوری، سنگ نوشته، گرداب سنگی و ... هم‌اکنون در معرض نابودی قرار دارند.

۲- محلات جدید شهر خرم‌آباد به طور عموم، هیچ‌گونه شباهتی با معماری کهن این شهر ندارند و حتی از استانداردهای بین‌المللی شهرسازی نیز به دورند. به طوری که اماکن اجتماع افراد محله، پاتق، میدان شهری و ... در این محلات وجود ندارد. در برنامه‌ریزی شهری آینده خرم‌آباد این اصول باید رعایت شود، تا به دنبال آن احساس مکان در ساکنین این محلات تقویت گردد.

۳- در دهه گذشته تندیس‌ها و نمادهای مرتبط با فرهنگ مردم لرستان در میداين و اماکن مختلف شهر خرم‌آباد نصب شده که مردم به راحتی با آن انس گرفته‌اند و نزد آنان پذیرفته شده است. وجود هرچند معدود این آثار هویت و تمایز خاصی به برخی نقاط

شهر خرم‌آباد بخشیده است. با نصب این گونه نمادها و تندیس‌ها در نقاط تازه‌ساز شهر خرم‌آباد، تا حدود زیادی می‌توان به اینگونه محلات هویت بخشید.

۴- محلات قدیمی‌تر شهر خرم‌آباد نیز در معرض تهدید تعریض خیابان‌ها و نوسازی قرار دارند. در این گونه نوسازی‌ها می‌بایست توجه داشت که نباید بافت قدیمی و سازگار با زندگی ساکنین از بین برود.

۵- برخی از مناطق قدیمی این شهر نیز به علت عدم خدمات رسانی و امکانات شهری در معرض خالی شدن از ساکنین بومی قرار دارند. با خدمت رسانی و امکانات- دهی به این محلات می‌توان از خروج جمعیت بومی این گونه محلات جلوگیری کرد.

۶- در تحقیق حاضر اماکنی چون، محلات و خیابان‌های مرکز شهر، قلعه فلک الافلاک، مجموعه تفریحی کیو و سایر بناهای تاریخی به عنوان عناصر هویت بخش مهم شهر خرم‌آباد شناخته شد که حفظ، نگهداری، و احیاء این عناصر می‌بایست در برنامه‌ریزی‌های آینده شهر- خرم‌آباد، در نظر گرفته شود.

۷- در تحقیق حاضر اثبات شد که محلات جدید (فاز یک کیو) نیز می‌توانند حس تعلق به مکان افراد را ارتقاء بخشند. با فراهم سازی امکانات زیرساختی مناسب و هماهنگ با فرهنگ منطقه نیز می‌توان شهر سازی را به سمت ایجاد حس مکان هدایت کرد.

۸- تحقیقات دیگری مشابه تحقیق حاضر، می‌تواند به شناخت عناصر مهم و هویت بخش دیگری از شهر خرم‌آباد منجر شود. انجام گرفتن این‌گونه تحقیقات و مطالعات می‌تواند برنامه‌ریزی مطلوب و سازگار با جغرافیا و فرهنگ شهر خرم‌آباد را تعیین و مشخص کند.

۹- عناصر هویت‌زای یک شهر، تنها عوامل کالبدی نیستند، بلکه فرهنگ، زبان، ادبیات، اسطوره‌ها و موسیقی یک منطقه نیز بر میزان دل‌بستگی و تعلق افراد به شهر تاثیرگذار است. حفظ و گسترش این مولفه‌ها، تا حدود زیادی می‌تواند حس مکان افراد را افزایش دهد.

پی‌نوشت

* - عدد صفر= خیلی مخالف، عدد ۱.۵= متوسط و عدد ۳= خیلی موافق



Bonnie, M. Judith, L. Kathleen, L. Bouwsema, M. Teo, P. (2004), Sense of belonging: a vital mental health concept, archives of psychiatric nursing, vol6, issue3, june1992, 172-177.

Bonnie, M. Hagerty, A. Williams, J. Margaret, R. (2004), Sense of belonging and indicators of social and psychological functioning, archives of psychiatric nursing, vol10, issue4, august 1996, 235-244.

Grace, H. Healthier, m. Bramston, P. (2003), Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: te discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity, journal of environmental psychology, volume23, issue3, September 2003, 273-287.

Grace, H. Healthier, m. Bramston, P. (2003), Attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity, journal of environmental psychology, volume23, issue3, September 2003, 273-287.

Vandemark, L. (2007), Promoting the sense of self, place, and belonging in displaced persons: the example of homelessness, archives of psychiatric nursing, volume21, issue5, october2007, 241-248.

Becker, L. (2002), The need for new paradigms building a sense of belonging for today's managers, utilities policy, volumel, issue5, october1991, 424-426.

Teo, P. and Hung, SH. (1999), A sense of place in public housing a case study of pasir ris, Singapore, habital international, volume20, issue2, june1996, 307-325.

Roseland, M. (1997). Dimension of the eco-city. Cities. 14 (4). 197-202. 6.

Shamsuddin and ujang. (2008). The Notion of Place, Place Meaning and Identity in Urban Regeneration Social and Behavioral Sciences 170 (2015) 709 – 717.

Shuhana, Sh. Norsidah, U. (2008). Habitat international 32(2008) 399- 409.

Teo, P. and Huang, SH. (1996), A sense of place in public housing a case study of ris, Singapore, june 1996, volume 20, issue2, 307-325.

منابع

بحرینی، سید حسن. (۱۳۷۸). تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حبیبی، رعنا سادات. (۱۳۸۷). تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۳۵ پاییز.

شکویی، حسین و تبریزی جلال. (۱۳۸۲). تاثیر نوسازی شهری فن گرا بر ایجاد حس لامکانی: مطالعه موردی پروژه نواب، مجله مدرس، دوره ۷، شماره ۲.

فلاح، محمد صادق. (۱۳۸۴). مفهوم حس مکان وعوامل شکل دهنده آن، نشریه هنر های زیبا، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۵.

قاسمی، سیدفرید. (۱۳۷۸). خرم آباد شناسی جلد ۱. خرم آباد: انتشارات افلاک.

قاسمی اصفهانی، مروارید. (۱۳۸۶). بررسی حس مکان در شهرهای جدید (نمونه موردی شهر جدید اندیشه)، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.

کریرت، راب (۱۳۸۳). فضای شهری، مترجم خسرو هاشمی نژاد، نشر خاک، چاپ اول، اصفهان.

لینچ، کوین. (۱۳۸۷). سیمای شهر. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مدنی پور، علی. (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیند های اجتماعی و مکانی، مترجم فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.

میر مقتدایی، مهتا. (۱۳۸۲). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهر ها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۳.

وزارت محیط، حمل و نقل و مناطق شهری روستایی و کمیسیون معماری و محیط روستایی بریتانیا. (۱۳۸۷). ترجمه: گروه پژوهش مهندسیین مشاور شارمند و سولماز، چاپ اول، تهران: انتشارات طراحان هنر- انتشارات همام.

Anne, F. Anne, R. Powers, J. (2004), The sense of belonging to a neighbourhood: can it be measured and is it related to health and well being in order women?, Social science and medicine, vol59, issue12, december2004, pages2627-2637.